



Investigating the Experience of Spouse Selection in Children of Divorce: A Qualitative Research

Roya Heydari¹, Mansour Sodani², Gholam Reza Rajabi³, Reza Khojaste-Mehr⁴

1. PhD Student in Counseling, Department of Counseling, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. roya9285h@gmail.com
2. (Corresponding author) PhD in Counseling, Professor, Department of Counseling, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. sodani_m@scu.ac.ir
3. PhD in Psychology, Professor, Department of Counseling, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. rajabireza@scu.ac.ir
4. PhD in Psychology, Professor, Department of Counseling, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. Khojasteh_r@scu.ac.ir

ABSTRACT

The article is taken from a doctoral thesis

Received: 20/01/2023 - Accepted: 01/06/2023

Aim: This study aimed to investigate the experience of spouse selection in children of divorce. **Methods:** The present study was a qualitative phenomenological type. The present study's statistical population included 6 women and 4 men who wanted to divorce and had experienced the divorce of their parents in Kermanshah in 2022. The participants were selected by the available sampling method and the sampling continued until data saturation. The data were first recorded and coded to analyze the data, and then they were analyzed using the thematic analysis method. **Findings:** The results of the research included 6 main themes and 19 sub-themes of the participants' experiences. The sub-themes included negative social attitude, problems of not being distinguished from the family, psychological problems, communication problems with the spouse and the spouse's family, feeling valuable as a person different from the parents, and adapting and building a life different from the parents. **Conclusion:** The results of the research showed that the children of divorce have negative experiences during the formation of life and marriage, which can lead to wrong choices or incompatibility and mental health problems in them. On the other hand, they also have positive experiences that make them learn from their parent's mistakes and seek education and counseling services to improve their marital life satisfaction and lead a better life than their parents.

keywords: Choosing spouse, children of divorce, phenomenology, qualitative research



فصلنامه علمی پژوهش‌های مشاوره
انجمن مشاوره ایران
جلد ۲۲، شماره ۸۷، پاییز ۱۴۰۲
مقاله پژوهشی

e-issn:4018-2717

p-issn:400-2717X

DOI: 10.18502/qjcr.v22i87.13986

بررسی تجربه انتخاب همسر در فرزندان طلاق: یک پژوهش کیفی

رویا حیدری^۱، منصور سودانی^۲، غلامرضا رجیبی^۳، رضا خجسته‌مهر^۴

۱. دانشجوی دکتری مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. roya9285h@gmail.com
۲. نویسنده مسئول، دکتری مشاوره، استاد، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. sodani_m@scu.ac.ir
۳. دکتری روان‌شناسی، استاد، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. rajabireza@scu.ac.ir
۴. دکتری روان‌شناسی، استاد، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. Khojasteh_r@scu.ac.ir

(صفحات ۸۶-۱۱۲)

چکیده

مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری می‌باشد.

هدف: هدف پژوهش حاضر بررسی تجربه انتخاب همسر در فرزندان طلاق بود. روش: پژوهش حاضر کیفی از نوع پدیدارشناسی بود. شرکت‌کنندگان پژوهش حاضر شامل ۶ زن و ۴ مرد در آستانه ازدواج و دارای تجربه طلاق والدین شهر کرمانشاه در سال ۱۴۰۱ بود. شرکت‌کننده‌ها به شیوه نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند و نمونه‌گیری تا زمان رسیدن به اشباع داده‌ها ادامه یافت. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها ابتدا داده‌ها ثبت و کدگذاری شد و سپس با استفاده از روش تحلیل مضمون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌ها: نتایج پژوهش شامل ۶ مضمون اصلی و ۱۹ مضمون فرعی از تجارب زیسته مشارکت‌کنندگان بود که مضمون‌های فرعی شامل نگرش منفی اجتماعی، مشکلات تمایز نایافتگی از خانواده، مشکلات روان‌شناختی، مشکلات ارتباطی با همسر و خانواده همسر، احساس ارزشمندی به عنوان فردی متفاوت از والدین، سازگاری و ساختن زندگی متفاوت از والدین بود. نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش نشان داد که فرزندان طلاق در زمان تشکیل زندگی و ازدواج، تجارب منفی دارند که می‌تواند منجر به انتخاب اشتباه یا ناسازگاری و مشکلات سلامت روان در آنها شود اما از طرفی آنها تجارب مثبتی نیز دارند که باعث می‌شود از اشتباهات والدین درس گرفته و به دنبال آموزش و خدمات آموزشی و مشاوره برای بهبود رضایت زندگی زناشویی خود باشند و بتوانند زندگی بهتر از والدین خود داشته باشند.

واژه‌های کلیدی: انتخاب همسر، فرزندان طلاق، پدیدارشناسی، پژوهش کیفی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۸

مقدمه

ساختار خانواده و مفاهیم مربوط به کودکان همواره مورد توجه محققان در رشته‌های مختلف بوده (دمیر-داجدز، ایسک-ارکان، انتپ-تینجر و همکاران^۱، ۲۰۱۸). اساسی‌ترین عاملی که منجر به از هم گسیختگی و فروپاشی خانواده می‌شود، طلاق است که منجر به آسیب‌های متعددی برای فرزندان می‌شود (لورسن، مادسن، ابل و همکاران^۲، ۲۰۱۹). شیوع روزافزون طلاق پژوهشگران و نظریه پردازان حوزه خانواده و ازدواج را بر آن داشته که درباره علل و پیامدهای آن به بررسی و تحقیق بپردازند (محمدی تیله نویی، رحمانی و قربان شیرودی، ۱۴۰۲). طبق آمار مرکز آمار ایران ۱۷۱۲۴۶ طلاق و ۵۱۹۲۵۰ ازدواج در سال ۹۹ ثبت شده که این مقدار آمار طلاق نسبت به ۱۰ سال قبل افزایش یافته و میزان ازدواج نیز کاهش یافته است. علت طلاق می‌تواند در اثر فشارهای شدید یکی از زوجین باشد که به دلایل مختلفی همچون ناتوانی در برآورده کردن نیازهای یکدیگر، مهارت‌های حل مساله ضعیف و عدم برخورداری از توانایی مدیریت مشکلات زندگی و انتقال احساسات، باورهای غیرمنطقی، مشکل در صمیمیت عاطفی، همچنین علل اجتماعی، حقوقی، شخصی، روحی باشد (زارعی و محمودآبادی^۳، ۲۰۱۴). همچنین عوامل دیگری که برای طلاق پیش‌بینی شده شامل کاهش روابط نزدیک و صمیمی و توجه به نیازهای عاطفی و جنسی، تفاوت فرهنگی و خانوادگی، ناسازگاری با تغییرات، نداشتن بخشش در زندگی و عدم انعطاف‌پذیری است (جلالی، احدی و کیامنش، ۱۳۹۵؛ برکات، امینی، دیره و همکاران، ۱۴۰۰). نتایج پژوهش فراتحلیل روشنی، تافته و خسروی (۱۳۹۸) نشان داد که علل اصلی طلاق، نداشتن مهارت و دانش کافی همسران، عملکرد نامطلوب همسران و شرایط اقتصادی نامطلوب می‌باشد. طلاق مسئله‌ای اجتماعی است که اهمیت آن به دلیل تأثیر در دگرگونی ساختار خانواده و بسیاری از

1. Demir-Dagdas, Isik-Ercan, Intepe-Tingir
 2. Laursen, Madsen, Obel
 3. Zareei Mahmoodabadi

آسیب‌های اجتماعی و عوارضی برای فرزندان است که زمینه‌ساز بسیاری از اختلالات رفتاری و روانی در فرزندان طلاق است و زندگی فردی و ازدواج آینده آنان را با خطراتی روبه‌رو می‌کند (زمانی زارچی، لواسانی، اژه‌ای و همکاران، ۱۳۹۷). طلاق فقط یک اتفاق برای والدین نیست بلکه تحولاتی در مراحل زندگی فرزندان نیز ایجاد می‌کند (گودینی، رسولی و محسن‌زاده، ۱۴۰۰).

فرزندان طلاق تجربه مشکلاتی مثل افسردگی، ترومای کودکی، دلبستگی ناایمن و استرس دارند که خود می‌تواند باعث تردید نسبت به شروع یک رابطه عاشقانه و ازدواج شود (شان، اسپالز، اسپالز و همکاران^۱، ۲۰۱۹). همچنین طلاق پیامدهایی همچون خشم و تنفر، احساس ترس و بی‌پناهی، ناامنی در ارتباطات، نشانه‌های افسردگی، اختلال شخصیت و عدم استقلال را به دنبال دارد (قره‌داغی و مبینی‌کشه، ۱۳۹۹). از دیگر مشکلات احتمالی فرزندان طلاق می‌توان به روابط بی‌ثبات، ترس از تعهد به همسر و زندگی مشترک و تجربه طلاق در زندگی زناشویی و خودپنداره منفی اشاره کرد (حاجی حسینی و رئیس، ۱۳۹۶). آثار و پیامدهایی که طلاق بر ابعاد روانی و اجتماعی فرزندان دارد شناسایی شده که شامل: ناسازگاری و رفتار ضد اجتماعی، کاهش میل به ازدواج در فرزندان طلاق و در بسیاری از موارد ابراز تمایلات همجنس‌گرایانه و اتکای به نفس پایین است. همچنین ثابت شده که وسواس فکری-عملی، حساسیت در روابط بین فردی در فرزندان طلاق نسبت به فرزندان عادی بیشتر است که این خود می‌تواند منجر به مشکلاتی برای ازدواج و انتخاب همسر شود (کرمیان و دهقانی، ۱۳۹۴). در پژوهش آماتو^۲ (۲۰۱۷) مقایسه فرزندان طلاق و عادی از نظر مسائل روانی-عاطفی نشان داد که فرزندان در خانواده طلاق مشکلات رفتاری و عدم سازگاری اجتماعی را تجربه می‌کنند.

کودکانی که شاهد تعارض والدین و طلاق والدین هستند، در بزرگسالی به احتمال

1. Schaan, Schulz, Schachinger
2. Amato

زیاد مجموعه‌ای از مهارت‌های ارتباطی و مهارت‌های حل مسئله ضعیف دارند؛ بنابراین نظریه یادگیری مشاهده‌ای این فرضیه را پشتیبانی می‌کند که کودکانی که تعارض و طلاق والدین را مشاهده کرده‌اند، به احتمال زیاد الگوهای تعارض بالایی را در روابط عاشقانه در دوران بزرگسالی خود الگوبرداری می‌کنند که ممکن است منجر به طلاق شود (جاجر، یابیکو، لینور و همکاران^۱، ۲۰۱۶). جوانان در خانواده‌های طلاق معمولاً به دلیل عزت نفس پایین، سازوکارهای مقابله سازگارانه با احساس ضعف، ناامیدی و شکست پایینی دارند (برجلی، ۱۳۹۶). دمیر-داجدز و همکاران (۲۰۱۸) تاکید دارند که طلاق ممکن است برای فرزندان که از لحاظ فرهنگ، قومیت، ساختار خانواده متفاوت هستند نتایج متفاوتی به دنبال داشته باشد. با وجود پژوهش‌های متعدد در زمینه پیامدهای منفی طلاق بر فرزندان، در این زمینه اختلاف نظر هست که طلاق می‌تواند گاهی یک راه نجات خوب برای فرزندان باشد زیرا از روابط متعارض والدین نجات پیدا می‌کنند (کارلا و پتروگیانس^۲، ۲۰۲۰؛ گاریگا و پنونی^۳، ۲۰۲۰). کودکان در واکنش به طلاق تفاوت قابل توجهی دارند، برخی از آنها عوارض کمتری را تجربه می‌کنند، برخی از پیامدهای طولانی مدتی در سلامت شخصی و رابطه‌ای رنج می‌برند و برخی دیگر نیز از یک خانواده پر تعارض و آسیب‌رسان رهایی می‌یابند (افیفی، گرنجر، جوزپ و همکاران^۴، ۲۰۱۵). به عبارتی می‌توان گفت طلاق والدین در کودکانی که همواره در معرض تعارض والدین هستند می‌تواند منجر به کاهش آثار نامطلوب تعارضات خانواده بر فرزندان شود و کودک فرصت الگوگیری از والدین را در حل تعارض ندارد و احتمال عدم موفقیت فرزندان در آینده و ازدواج‌شان را کاهش می‌دهد (جاجر و همکاران، ۲۰۱۶).

حامد و ذکایی (۱۳۹۹) در پژوهش خود تحت عنوان تجربه زیسته فرزندان طلاق در شهر تهران، به این نتیجه رسیدند که تجربه مشترک فرزندان طلاق در مقوله معلق بودن

-
1. Gager, Yabiku, & Linver
 2. Karela, & Petrogiannis
 3. Garriga, & Pennoni
 4. Afifi, Granger, Joseph

رانشی که نتیجه‌ی نابسامانی در فضای اجتماع و خانوادگی بازسازی شده است قابل توصیف است و با وجود به کارگیری راهبردهای انطباقی مختلف توسط کودک، اغلب قادر به سازگاری با شرایط نبوده و پیامدهای اجتماعی و روانی متعددی برای او به دنبال دارد. زمانی زارچی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان مطالعه پدیدارشناسانه تجارب هیجانی فرزندان طلاق به این نتیجه رسیدند که فرزندان طلاق هیجاناتی را تجربه می‌کنند که بهزیستی روان‌شناختی آنها را تحت تأثیر قرار داده و از طرفی بر دیدگاه آنها به روابط پایدار مثل ازدواج تأثیر منفی داشته و نوعی واگم از وقوع مجدد مشکلات دارند. موهی^۱ (۲۰۱۵) در پژوهشی تحت عنوان پیامدهای مثبت طلاق: مطالعه ترکیبی تأثیر طلاق والدین بر فرزندان، به این نتیجه رسید که طلاق والدین تأثیرات مثبتی در فرزندان جهت یادگیری از اشتباهات ارتباطی والدین و اصلاح کردن آن اشتباهات در روابط رمانتیک آینده خود دارد.

مطالعات اخیر بیشتر در زمینه‌ی پیامدهای اجتماعی طلاق بوده، اما تاکنون تحقیقات مستقل اندکی تجربه انتخاب همسر در فرزندان طلاق را مورد توجه قرار داده که نشان دهنده وجود یک خلأ در پژوهش‌های گذشته است. با وجود اهمیتی که معنای طلاق و عوارض آن برای ازدواج فرزندان دارد، هنوز در پژوهش‌های گذشته مساله ازدواج و انتخاب همسر فرزندان طلاق به اندازه کافی روشن نشده. پژوهش حاضر به دنبال این است که از طریق روش پدیدارشناسی به بررسی تجربه فرزندان طلاق در انتخاب همسر بپردازد. دلیل اصلی کاربرد روش پدیدارشناسی پاسخ دادن به این سوال است که فرزندان طلاق تجربه انتخاب همسر را چگونه توصیف می‌کنند؟ و ساختار پدیده انتخاب همسر در فرزندان طلاق چگونه است؟

روش

روش پژوهش حاضر کیفی و روش پدیدارشناسی بود. این روش به دنبال پاسخ به این

سوال است که ساختار و ماهیت تجربه یک پدیده توسط افراد چیست؟ و آیا پدیده مورد نظر نیاز به روشن سازی دارد؟ (خجسته مهر، دانیالی و شیرالی نیا، ۱۳۹۴). شرکت کنندگان پژوهش حاضر شامل ۶ زن و ۴ مرد دارای تجربه طلاق والدین شهر کرمانشاه در سال ۱۴۰۱ بودند و به شیوه در دسترس انتخاب شدند و شرکت کنندگان بر اساس معیارهای ورود باید نماینده افرادی باشند که پدیده مورد نظر را تجربه کرده‌اند. و ملاک پایان نمونه گیری رسیدن به اشباع بود که بر این مبنا پژوهشگر پس از مصاحبه با ۱۰ نفر از شرکت کنندگان به اشباع نظری رسید. ملاک‌های ورود به پژوهش حاضر شامل: داشتن تجربه طلاق والدین، داشتن تجربه زندگی با یکی از والدین (مادر یا پدر) یا شخص سوم از خویشاوندان، در دوره نامزدی باشند یا ۲ سال از ازدواج آن‌ها گذشته باشد، تمایل به در اختیار گذاشتن تجارب خود و علاقه مندی به فهم ماهیت و معنای تجربه خویش، داشتن تحصیلات حداقل دیپلم، برخورداری از سلامت روان. ملاک‌های خروج از پژوهش نیز شامل: داشتن بیماری‌های جسمی مزمن، عدم رضایت مشارکت کننده به ادامه مصاحبه، ناتوانی در ارائه اطلاعات درست و پشیمانی مشارکت کننده از پاسخگویی پس از آغاز مصاحبه است.

در پژوهش حاضر مشارکت کنندگان و پژوهشگر، ابزار جمع‌آوری و تحلیل داده‌های پژوهش می‌باشند. از آنجا که پژوهش حاضر از نوع پدیدارشناسی است، سوالات پژوهش را از طریق مصاحبه عمیق و سوالات باز پاسخ و پیگیرانه از مشارکت کنندگان پرسیده و پاسخ‌ها ثبت و ضبط شد. مصاحبه‌ها با یک سوال باز پاسخ و کلی با این مضمون شروع شد که "والدین شما در چه سنی و چرا طلاق گرفتند و وضعیت زندگی شما بعد از طلاق والدین چگونه بود؟ فکر می‌کنید طلاق والدین تاثیری در زندگی آینده شما دارد؟" و در ادامه برای کشف عمیق تر پدیده از سوالات پیگیرانه مانند "می‌توانید بیشتر توضیح دهید" استفاده شد. طبق صحبت‌های مشارکت کننده‌ها هدفمند شد. به صورتی که ابتدا پیشینه خانوادگی مختصری را شرح دادند سپس مصاحبه با یک سوال کلی شروع

شد که باعث شد به موضوع طلاق والدین نزدیک شوند. در ادامه با توجه به پاسخ مشارکت‌کننده‌ها و در نظر داشتن هدف پژوهش، سوالات اکتشافی پرسیده شد. تمامی مصاحبه‌ها به صورت حضوری در مراکز مشاوره انجام شد و مدت زمان مصاحبه‌ها بین ۳۰ الی ۴۵ دقیقه بود و در مجموع ۳۸۰ دقیقه مصاحبه اجرا گردید. برای رعایت مسائل اخلاقی در این پژوهش به مشارکت‌کنندگان پژوهش توضیح کلی در مورد اهداف پژوهش داده شد. رضایت‌نامه کتبی از مشارکت‌کنندگان در مصاحبه و اجازه‌نامه کتبی جهت ضبط جلسات مصاحبه اخذ شد. درباره حفظ رازداری و محرمانه بودن اطلاعات به مشارکت‌کنندگان اطمینان خاطر داده شد. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها در پژوهش حاضر روش تحلیل مضمون بود که برای توصیف و تفسیر تجارت شرکت‌کنندگان درباره یک پدیده است. در این روش تاکید بر درک شرکت‌کننده، احساس و تجربه او درباره پدیده مورد نظر است. مراحل روش تحلیل مضمون شامل شش مرحله، نزدیکی به داده‌ها، ساخت کدهای اولیه، جستجوی مضمون‌ها، مرور مضمون‌ها، تعریف و نام‌گذاری مضمون‌ها و گزارش نهایی است (گست، مک کویین و نامی^۱، ۲۰۱۱). جهت اطمینان از صحت و دقت داده‌ها، از معیارهای چهارگانه اعتبار، تاییدپذیری، قابلیت اعتماد و انتقال‌پذیری استفاده شد (لینکن و گوبا^۲، ۱۹۹۴؛ به نقل از کرسول^۳، ۲۰۰۷). جهت تضمین اعتبار داده‌ها، پس از تحلیل مصاحبه، محتوای آن را به شرکت‌کننده نشان داده و صحت و سقم نتایج تایید شد و تغییرات لازم اعمال شد. برای تضمین قابلیت تصدیق داده‌ها نیز محقق یک فرایند فعال پراگماتیک را اعمال کرد تا از ورود پیش فرض‌های محقق جلوگیری شود. جهت افزایش قابلیت انتقال داده‌ها از حضور هر دو جنس استفاده شد و از لحاظ تحصیلات هم متفاوت بودند. این پژوهش از لحاظ اعتبار درونی یا باورپذیری مورد تایید قرار گرفت، چرا که فرآیند جمع‌آوری و تحلیل داده

1. Guest, MacQueen, & Namey
 2. Linken, Goba
 3. Creswell

بارها از سوی پژوهشگر مورد بازبینی قرار گرفته و حتی در مواردی پس از انجام مصاحبه با توجه به الزامات پیش آمده، سؤالات مورد تجدید واقع گردید. همچنین داده‌ها در این پژوهش از سوی اساتید و متخصصان مربوطه مورد ارزیابی قرار گرفته و از سوی آنان نیز روش تحلیل و سیاق پژوهش مورد تأیید قرار گرفته است. در مورد ارزیابی از لحاظ معیار انتقال‌پذیری هم باید اشاره شود که در کدگذاری سعی شد تا حداکثر توجه در ساختن کدها لحاظ شود و کدهایی ساخته شود که بیشترین بار مفهومی از متن را بر دوش داشته و به دور از سوگیری و نظر شخصی پژوهشگر باشد. تأیید و اطمینان‌پذیری داده‌ها از طریق پرسش از سایر پژوهشگران و دریافت نظر آنان در رابطه با کد مورد نظر صورت گرفت.

در مجموع تعداد ۶ زن و ۴ مرد که تجربه طلاق والدین را داشتند در مصاحبه شرکت نمودند که میانگین سنی آنها ۲۸/۰۹ است و میزان تحصیلات ۲ نفر از آنها فوق لیسانس، ۴ نفر لیسانس، ۲ نفر فوق دیپلم و ۲ نفر دیپلم است. شغل آنها ۴ نفر خانه‌دار، ۴ نفر شغل آزاد و ۲ نفر کارمند است. مدت ازدواج آن‌ها از ۳ ماه الی ۱ سال است (جدول ۱).

جدول ۱. اطلاعات جمعیت شناختی شرکت کنندگان

مدت ازدواج	شغل	تحصیلات	سن	جنسیت	مشارکت کننده
۶ ماه	خانه دار	فوق لیسانس	۲۹	زن	۱
۱ سال	آزاد	لیسانس	۲۶	زن	۲
۳ ماه	خانه دار	لیسانس	۲۴	زن	۳
۱ سال	آزاد	دیپلم	۳۰	مرد	۴
۱ سال	خانه دار	دیپلم	۲۸	زن	۵
۳ ماه	کارمند	لیسانس	۳۳	زن	۶
۸ ماه	کارمند	فوق لیسانس	۳۳	مرد	۷
۱ سال	خانه دار	فوق دیپلم	۲۵	زن	۸
۱ سال	آزاد	فوق دیپلم	۳۴	مرد	۹
۱ سال	آزاد	لیسانس	۲۷	مرد	۱۰

یافته‌ها

همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود با استفاده از روش تحلیل مضمون، ۶ مقوله اصلی و ۱۹ مقوله فرعی از تحلیل داده‌ها بدست آمده است که هر طبقه به صورت جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جدول ۲. نمونه مفاهیم و کدهای استخراج شده

مفاهیم و کدها	مقوله‌های فرعی	مقوله اصلی	
نگرانی از دیدگاه تحقیر آمیز خانواده همسر ناراحتی از قضاوت‌ها و محکوم به بدبختی دانستن فرزند طلاق احساس حقارت و نادیده گرفته شدن از جانب دیگران	احساس طرد از سوی دیگران	نگرانی منفی اجتماعی	
نگاه ترحم آمیز دیگران همراه بودن علاقه طرف مقابل با حس ترحم و تحقیر پیشنهاد ازدواج از روی ترحم برای نجات از شرایط بد خانواده	دیدگاه ترحم آمیز به فرزند طلاق		
ننگ مهر طلاق و پیش‌بینی منفی برای آینده برچسب زنی به فرزند طلاق و تعمیم افراطی مشکلات خانواده قضاوت منفی دیگران درباره نقاط ضعف فرزند طلاق	برچسب زنی به فرزند طلاق		
محکوم به شکست بودن در زندگی بخاطر گذشته والدین اعتقاد به اینکه فرد طلاق گرفته تهدیدی برای زندگی فرزندش باشد تصور اینکه فرزند طلاق مهارت کافی برای زندگی ندارد	پیش‌بینی منفی درباره آینده فرزند طلاق		
معرفی خواستگار نامناسب برای نجات از شرایط نامطلوب خانوادگی ازدواج نامطلوب و اجباری برای فرار از شرایط ازدواج به خاطر اصرار دیگران برای رهایی از شرایط بد	خواستگاری نامناسب		
آرزوی داشتن شرایط خانوادگی بهتر برای داشتن احساس ارزشمندی احساس ناکامی و ناامیدی به آینده و پنهان کردن دلیل طلاق والدین کناره‌گیری از خانواده همسر به خاطر قضاوت‌های منفی آنها	احساس حقارت و انزوا یا دوری‌گزینی از دیگران		مشکلات روان‌شناختی
ترس از ازدواج با آشنایان و اقوام که نقطه ضعف‌های فرد را می‌دانند ترس از شکست و دچار سرنوشت والدین شدن دیدگاه منفی به ازدواج و ترس و بی‌اعتمادی نسبت به جنس مخالف	ترس و فرار از ازدواج		

مفاهیم و کدها	مقوله‌های فرعی	مقوله اصلی
احساس درونی منفی و عدم رضایت از خود یا خودکم بینی ناتوانی در فراموشی مشکلات گذشته و مرور خاطرات غبطه خوردن به شرایط همسالان و احساس بی‌ارزشی و عصبانیت	افکار منفی و نشخوار فکری	مشکلات تمایزنا یافتگی از خانواده مبدا
ناراحتی از محروم بودن از حضور در مناسبات خانوادگی در کنار والدین احساس تنهایی در مهمترین روزهای زندگی، کمبود محبت عدم همدلی و کمک والدین در مشکلات زندگی و فراموشی آرزوها	کمبود حمایت عاطفی و مالی والدین	
ساده گرفتن در شرایط ازدواج و توقعات پایین بخاطر کمبودها اجبار به پذیرش شرایط و محدودیت‌های همسر برای ارتباط با والدین پشیمانی از آسان گرفتن شرایط ازدواج برای فرار از مشکلات مجردی	ساده گرفتن شرایط ازدواج به خاطر کمبودها	
نگرانی مردان بعد از ازدواج درباره شرایط نگهداری از مادرشان احساس مسئولیت بیش از حد به زندگی مادر و نادیده گرفتن خواسته‌های خود و همسر	احساس مسئولیت به	
ترس از ازدواج بخاطر دوری از خواهر و برادرهای کوچکتر و نیاز به مراقبت کردن از آنها	خانواده مبدا	
پنهان کردن علت طلاق والدین بخاطر ترس از قضاوت منفی ارتباط پنهانی با مادر بخاطر مخالفت همسر برای ارتباط با خانواده مبدا	پنهان کاری	
قطع رابطه با والدین بخاطر ترس از تاثیر منفی بر زندگی فرزند حس منفی به ازدواج دوم مادر و قطع رابطه با او	قطع رابطه با خانواده مبدا	
حساسیت به حرف‌های خانواده همسر به عنوان کنایه و دوری از آن‌ها ناراحتی از نظر دیگران و اجازه ندادن به کنجکاوی درباره خانواده مبدا ناراحتی از تمایل مادرشوهر به آموزش و نصیحت کردن فرزند طلاق	نگرانی از سوالات و کنجکاوی‌های خانواده همسر	
ناتوانی در گفت‌گو و درددل با همسر درباره مشکلات گذشته ترس از کنایه زدن همسر و مخالفت او از ارتباط با مادر توقع جبران کمبودهای گذشته توسط همسر	ناتوانی در ابراز ناراحتی‌ها به همسر	
احساس ارزشمندی و تمایل به قضاوت شدن براساس مهارت‌های فردی، تحصیلات، شغل و درآمد درک ارزشمندی فرزند طلاق به عنوان یک فرد توانمند و مستقل از والدین و اهمیت به توانایی‌های ذاتی خود فرد تمایل به خوشبختی، تسلیم نشدن در برابر شرایط بد	احساس کارآمدی و خود ارزشمندی	

مفاهیم و کدها	مقوله‌های فرعی	مقوله اصلی
	رضایت از همسر بخاطر عدم قضاوت داستان زندگی والدین	رضایت از همسر بخاطر عدم قضاوت داستان زندگی والدین
	پدیرش و درک شدن و مقصر ندانستن فرد بخاطر شرایط بد خانواده	پدیرش و درک شدن و مقصر ندانستن فرد بخاطر شرایط بد خانواده
	عدم تمایل به تقلید از والدین در حل تعارض	عدم تمایل به تقلید از والدین در حل تعارض
	تلاش برای سلامت روان، کنترل عواطف منفی و زندگی بهتر با مراجعه به مشاور خانواده	تلاش برای سلامت روان، کنترل عواطف منفی و زندگی بهتر با مراجعه به مشاور خانواده
	تحمل مشکلات و سختی‌های زندگی زناشویی بخاطر ترس از شکست و طلاق	تحمل مشکلات و سختی‌های زندگی زناشویی بخاطر ترس از شکست و طلاق
	احساس خوشبختی و رضایت زندگی به دلیل درک شدن توسط همسر	احساس خوشبختی و رضایت زندگی به دلیل درک شدن توسط همسر
	پدیرش از سوی خانواده همسر و درک اینکه فرزند طلاق سختی کشیده و پخته‌تر شده	پدیرش از سوی خانواده همسر و درک اینکه فرزند طلاق سختی کشیده و پخته‌تر شده
	حق داشتن زندگی رضایتبخش و تلاش برای جبران کمبودهای زندگی	حق داشتن زندگی رضایتبخش و تلاش برای جبران کمبودهای زندگی

نگرش منفی اجتماعی

براساس یافته‌های پژوهش یکی از مسائلی که فرزندان طلاق در ازدواج و زندگی زناشویی خود تجربه می‌کنند نگرش‌های منفی اجتماعی است. فرزندان طلاق در زندگی بزرگسالی خود و در موقعیت‌های مختلف در جامعه تجاربی دارند که ناشی از نگرش منفی اجتماعی است. قضاوت‌های افراد و نگرش‌های منفی و برچسب‌زنی‌ها به فرزندان طلاق باعث می‌شود که آنها همواره با فشار و تنش‌های مختلفی روبرو باشند و همواره سوژه کنجکاوی، پیش‌داوری و دخالت اطرافیان باشند. نگرانی از دیدگاه تحقیر آمیز و همراه با ترحم خانواده همسر، بی‌توجهی خانواده همسر به ارزش‌ها و توانایی‌های ذاتی فرد، ناراحتی از قضاوت‌های دیگران و محکوم به بدبختی دانستن فرزند طلاق، تحقیر اجتماعی بخاطر مشکلات مالی و خانوادگی، طرد اجتماعی بخاطر مشکلات پدر و مادر، بی‌توجهی دیگران به احساسات فرزند طلاق، عدم حمایت عاطفی و همدردی همسر و خانواده همسر با فرد، پیشنهاد ازدواج از روی ترحم برای نجات از شرایط بد

خانواده، ننگ مهر طلاق و پیش‌بینی منفی برای آینده فرد، برچسب زنی فرزند طلاق و تعمیم افراطی مشکلات خانواده، ترس از تمسخر دیگران بابت مشکلات زندگی، قضاوت منفی درباره نقاط ضعف فرزند طلاق، نگرانی از دخالت و تاثیر والدین در زندگی آینده فرزند، اعتقاد به اینکه فرد طلاق گرفته تهدیدی برای زندگی فرزندش باشد، تصور اینکه فرزند طلاق مهارت کافی برای زندگی ندارد، توجه و اهمیت خواستگاریها به ثروت و وضعیت خوب خانوادگی دختر، ازدواج نامطلوب و اجباری برای فرار از شرایط، اجبار به پذیرش شرایط و محدودیت‌های ارتباط با والدین بعد از ازدواج، نداشتن حق اعتراض و اجبار به پذیرش شرایط، اصرار دیگران به ازدواج از جمله مشکلاتی هستند که فرزندان طلاق در زندگی خود با آنها روبه‌رو هستند و باعث می‌شوند که این افراد برای رهایی از فشار این برچسب‌ها از ازدواج اجتناب کنند یا توانمندی‌ها و قابلیت‌های خود را نادیده بگیرند و دچار خودکم‌بینی شده و انتخاب‌های نادرستی برای ازدواج خود داشته باشند. مشارکت‌کننده شماره ۱ می‌گوید: {من خواستگاری‌های کمی داشتم اگر کسی هم بود همین‌که میدونستن شرایط زندگی ما چگونه اصلاسمت خانواده ما نمی‌آمدند و به دید بد نگاه می‌کردن به من که این دختر خانواده‌اش مشکل دارن و خودش هم ممکنه مشکلاتی داشته باشه مثل پدر و مادرش عصبی باشه}.

مشارکت‌کننده شماره ۲ می‌گوید: {هیچ‌کس به خود من که زیبایی‌هایی داشتم و باعرضه و پرتلاش بودم توجه نمی‌کرد. چند مورد خواستگار که خوشون هم شرایط خوبی نداشتن میومدن اما من قبول نمی‌کردم}.

مشارکت‌کننده شماره ۷ می‌گوید: {جواب منفی گرفتم از دخترعمه‌ام و گفت تو هم مثل پدرت ممکنه عصبی باشی، با این‌که من فرد تحصیل کرده‌ای هستم و شغل خوبی دارم}.

مشکلات تمایز نایافتگی از خانواده مبدا

باتوجه به یافته‌های پژوهش یکی از مسائلی که فرزندان طلاق در دوران ازدواج و

زندگی زناشویی خود تجربه می‌کنند احساس تنهایی و کمبود عاطفی است که همراه با مشکلاتی همچون احساس خودکم‌بینی و بی‌ارزشی بخاطر عدم حمایت مالی و عاطفی از طرف پدر، ناراحتی از محروم بودن از حضور در مناسبات خانوادگی در کنار والدین، احساس دلتنگی برای زمانی که یک خانواده کامل بودند، احساس تنهایی و کمبود عاطفی از طرف مادر، بی‌تفاوتی و کمبود محبت از جانب پدر، عدم همدلی از جانب والدین در مشکلات زندگی، احساس بی‌ارزشی و پوچی و عصبانیت از پدر، تحت فشار بودن بخاطر عدم حمایت پدر و فراموشی آرزوها، نگرانی از عدم حمایت عاطفی مادر و احساس تنهایی در روزهای مهم زندگی، ترس از مردها بخاطر عدم حمایت کافی عاطفی پدر، احساس محرومیت عاطفی و مالی از نعمت‌های زندگی با پدر، ساده گرفتن در شرایط ازدواج و توقعات پایین بخاطر کمبودها، اجبار به پذیرش شرایط و محدودیت‌های ارتباط با والدین، پشیمانی از آسان‌گیری برای شرایط ازدواج، نگرانی پسر از شرایط نگهداری از مادر سالخورده، احساس مسئولیت به زندگی مادر و نادیده گرفتن خواسته‌های فردی، ترس از ازدواج بخاطر دوری از خواهر و مسئولیت‌هایش، احساس مسئولیت بیش از حد به خانواده مبدا است.

مشارکت‌کننده شماره ۳ می‌گوید: {احساس تنهایی می‌کردم چون مادرم نبود که به من دلگرمی بده و پدرم هم سرد و بی‌احساس بود و تنهام گذاشتن. پدرم با اینکه اوضاع مالی خوبی داشت ولی جهاز مناسبی تدارک ندید و منو بی‌ارزش کرد و خجالت می‌کشیدم و شوهرم مجبور بود خودش همه رو تهیه کنه}.

مشارکت‌کننده شماره ۹ می‌گوید: {من به مادر خودم از لحاظ مالی رسیدگی می‌کنم و دوست داشتم نزدیک مادرم زندگی کنیم اما خانمم مخالفه و می‌گه باید خانواده گذشته رو فراموش کنی و وقتی اونا طلاق گرفتن و بفکر تو نبودن تو چرا الان وقت و هزینه رو هدر بدی برایشون}.

مشکلات روان‌شناختی

باتوجه به یافته‌های پژوهش یکی از مسائلی که فرزندان طلاق در دوران ازدواج و زندگی زناشویی خود تجربه می‌کنند مشکلات روان‌شناختی است که شامل مشکلات ذیل است: احساس حقارت بخاطر مشکلات والدین، کناره‌گیری و دوری از اطرافیان بخاطر قضاوت‌های منفی، عدم تمایل به برگزاری مراسم عروسی و دعوت آشنایان بخاطر قضاوت‌های منفی و مقایسه‌ای، آرزوی داشتن شرایط خانوادگی بهتر برای داشتن احساس ارزشمندی، احساس درونی منفی و عدم رضایت از خود، احساس منفی و خودکم‌بینی در برابر دیگران، عدم اعتماد بنفس بخاطر کمبودهای مالی و عاطفی، احساس ناکامی و ناامیدی نسبت به آینده و پنهان کردن دلیل طلاق والدین، احساس ضعف و تنهایی، دوری و کناره‌گیری از خانواده همسر، مشکلات ارتباطی با خانواده همسر و حساسیت شوهر به ارتباط با خانواده مبدأ، ترس از ازدواج با آشنایان که نقطه ضعف‌های زندگی فرد را می‌دانند، تمایل به ازدواج با غریبه که یک شناخت جدید از فرد بر اساس توانمندی‌هایش دارد، فرار از ازدواج بخاطر احساس شرم از آشفتگی شرایط خانواده، نداشتن آگاهی کافی درباره نقش خود به عنوان همسر، ترس از تاثیر والدین بر روی فرزند و بالا بردن توقعات، ترس از قضاوت شدن بر اساس مشکلات پدر و مادر، ترس از شکست و دچار سرنوشت والدین شدن، عدم آگاهی از شیوه‌های حل تعارض زناشویی و سازگاری، دیدگاه منفی به ازدواج و جنس مخالف، حسرت نداشتن همدلی از جانب والدین، خلق افسرده و نشخوار فکری، غبطه خوردن به شرایط همسالان، احساس بی‌ارزشی و پوچی و عصبانیت از پدر، عدم ابراز ناراحتی‌ها و مشکلات که باعث بروز بیماری‌های جسمی می‌شد.

مشارکت‌کننده شماره ۴ می‌گوید: {هیچ وقت جرات خواستگاری رفتن نداشتم چون هیچی نداشتم و توی خرج خودم مونده بودم و باید منتظر معجزه می‌بودم. کسی به من دختر نمی‌داد}.

مشارکت کننده شماره ۵ می‌گوید: {احساس اینکه دیگران منو به چشم یه دختر بی مهارت که بچه طلاق بوده و باید براش دلسوزی کرد منو اذیت می‌کنه. من می‌ترسم نمی‌خوام زندگیم رو از دست بدم منم مثل پدر و مادرم نمی‌خوام شکست بخورم}.

مشکلات ارتباطی با همسر و خانواده همسر

باتوجه به یافته‌های پژوهش یکی از مسائلی که فرزندان طلاق در دوران ازدواج و زندگی زناشویی خود تجربه می‌کنند مشکلات ارتباطی با همسر و خانواده همسر است که شامل مشکلاتی همچون پنهان کردن علت طلاق والدین بخاطر ترس از قضاوت منفی، احساس ناکامی و ناامیدی نسبت به آینده و پنهان کردن دلیل طلاق والدین، ارتباط پنهانی با مادر بخاطر، مخالفت همسر برای ارتباط با خانواده مبدأ، کاهش رابطه با والدین برای عدم تاثیر گذاری بر زندگی فردی، عدم ارتباط با مادر و پدر برای آرامش بیشتر در زندگی خود، احساس ناراحتی از منع ارتباط با مادر از جانب همسر، اجبار به پذیرش شرایط و محدودیت‌های ارتباط با والدین، حس منفی به ازدواج دوم مادر و قطع رابطه با او، توجه و اهمیت خانواده همسر به شرایط و کم و کاست‌های زندگی دختر، حساسیت به حرف‌های خانواده همسر به عنوان کنایه، دوری از خانواده همسر و حضور در جمع، اجازه ندادن به کنجکاوی دیگران درباره خانواده مبدأ، نگرانی از دخالت اطرافیان در زندگی، ناتوانی در ابراز ناراحتی‌ها و گفت‌گو با همسر درباره مشکلات گذشته، اعتقاد خانواده همسر به اینکه فرد طلاق گرفته تهدیدی برای زندگی فرزندش باشد، عدم ابراز احساسات ناراحت کننده و درد دل نکردن با همسر، ترس از کنایه زدن و عدم ابراز افکار و احساسات به همسر درباره مشکلات گذشته، مخالفت شوهر با ارتباط با مادر و نگرانی از دخالت والدین در زندگی، توقع شوهر از فراموشی و رها کردن گذشته، توقع جبران کمبودهای گذشته توسط همسر است.

مشارکت کننده شماره ۱ می‌گوید: {اوایل حساس بودم مراقب بودم خانواده همسرم تیکه نندازن به خاطر جهاز نداشتنم و مشکلات خانوادم و حالت دفاعی داشتم. همش

از شوهرم می‌پرسیدم که خانواده‌ت چیزی نمی‌پرسن از خانوادم؟
 مشارکت کننده شماره ۲ می‌گوید: {از فامیل دوری می‌کردم که حرفاشون رو نشنوم.
 حتی برای گرفتن مراسم ازدواج ذوقی نداشتم که دعوتشان کنم که بیان و حرف دربیارن و
 ایراد بگیرن. نگاه‌شان، قضاوت‌شان و حرف‌هایشان اذیت کننده بود}.
 مشارکت کننده شماره ۹ می‌گوید: {با شرایط مهریه سخت دخترشون و به من دادن،
 با خانمم مشکلی نداریم اما اطرافیان تاثیر دارن روی ما و مخصوصا نامادری من گاهی با
 همسرم لجبازی‌های می‌کنه. گاهی دوست دارم برم به شهر دور که با هیچ‌کسی رابطه
 نداشته باشم و کمتر قضاوت بشم}.

احساس ارزشمندی به عنوان فردی متفاوت از والدین

باتوجه به یافته‌های پژوهش یکی از مسائلی که فرزندان طلاق در دوران ازدواج و
 زندگی زناشویی خود تجربه می‌کنند احساس ارزشمندی خود به عنوان فردی متفاوت از
 والدین است. در واقع فرزندان طلاق با وجود پیامدهای منفی که به علت طلاق والدین
 تجربه می‌کنند اما تجارب مثبتی نیز دارند که باعث می‌شود زندگی بهتری نسبت به
 والدین خود بسازند و تاثیرات منفی طلاق والدین را در زندگی خود خنثی کنند، از جمله
 احساس خودکارآمدی بخاطر تحصیلات بالا، احساس خودارزشمندی و تمایل به
 قضاوت شدن بر اساس توانمندی‌های فردی، درک طرف مقابل از ارزش‌های شخصی و
 تلاش‌های کنونی فرد، باور به ارزشمندی به عنوان یک فرد توانمند و مستقل از
 والدین، اهمیت به توانایی‌های ذاتی خود فرد، تمایل به زندگی بهتر و خوشبختی، تسلیم
 نشدن در برابر شرایط بد و احساس ارزشمندی، تمایل به اثبات ارزشمندی خود به
 دیگران، تمایل به اینکه به عنوان فرد مهم و با ارزشی درک شود، رضایت از درک متقابل
 توسط همسر بدون قضاوت از روی داستان زندگی والدین، پذیرش و درک از سوی
 دیگران و مقصر ندانستن فرد بخاطر شرایط بد، قضاوت نشدن بر اساس مشکلات پدر و
 مادر.

مشارکت کننده شماره ۱ می‌گوید: {مگر من یک فرد تحصیل کرده نیستم که توی جامعه بوده و پخته‌تر شده؟ پس مهارت کافی برای زندگی خودم دارم من خودم رایه آدم ارزشمند می‌دانم که باید من را بر اساس توانایی‌هایم و پیشرفت‌هایم قضاوت کنند نه خانواده‌ام}.

مشارکت کننده شماره ۷ می‌گوید: {مگه پدر و مادرهایی که طلاق نگرفتن می‌تونن تضمین کنن که بچه‌هاشون آسیب ندیدن؟ خیلی خانواده‌ها به زور دارن همدیگه رو تحمل می‌کنن و بچه‌شون بین دعواهاشون غرق شده و بیشتر آسیب دیده. باز حداقل بچه طلاق نجات پیدا کرده از اون جو}.

سازگاری و ساختن زندگی متفاوت از والدین

باتوجه به یافته‌های پژوهش یکی از مسائلی که فرزندان طلاق در دوران ازدواج و زندگی زناشویی خود تجربه می‌کنند سازگاری و ساختن زندگی متفاوت از والدین است. فرزندان طلاق می‌توانند چالش‌های زندگی را تبدیل فرصت کنند و از اشتباهات والدین الگوبررسی نکنند و زندگی مناسب‌تری با میزان سازگاری بیشتری نسبت به والدین خود را بسازند و تجاربی همچون یادگیری از اشتباهات والدین و جبران آن‌ها، عدم تمایل به تقلید از والدین، تمایل به زندگی بهتر و خوشبختی، تسلیم نشدن در برابر شرایط بد و احساس ارزشمندی، تلاش برای سلامت روان و کنترل عواطف منفی، تلاش برای بهبود شرایط و ساختن زندگی بهتر، تحمل مشکلات و سختی‌های زندگی زناشویی بخاطر ترس از شکست در زندگی و طلاق، تمایل به سازگاری و فراهم کردن رضایت زندگی، حق داشتن زندگی رضایتبخش و تلاش برای جبران کمبودهای زندگی، احساس رضایت فردی از رسیدن به یک زندگی خوب و متفاوت از والدین، احساس خوشبختی و رضایت از زندگی به دلیل درک متقابل همسر و عدم توجه به مشکلات زندگی قبلی، پذیرش از سوی خانواده همسر و درک اینکه فرزند طلاق سختی کشیده و پخته‌تر شده، حق داشتن زندگی رضایتبخش و تلاش برای جبران کمبودهای زندگی، توقع زندگی زیباتر از گذشته،

رضایت از زندگی زناشویی را دارند.

مشارکت کننده شماره ۱ می‌گوید: {خانواده همسر اهمیت‌ی به طلاق والدین نمیدن و برایشون فقط خوشبختی ما مهمه. من خوشحالم که خانواده خوبی ساختم و نمی‌خوام زندگی مثل پدر و مادرم بشه}.

مشارکت کننده شماره ۲ می‌گوید: {همه چیز خوب پیش رفت شوهرم الان با من خوبه و طعنه و کنایه‌ای بابت کمبودهای خانواده من نمی‌زنه و زندگی آرومی داریم و من دوست دارم بقیه بدونن اونجور که می‌گفتن من بدبخت نشدم}.

مشارکت کننده شماره ۷ می‌گوید: {راضیم که بلاخره به اطرافیانم فهموندم منم می‌تونم به دختر رو خوشبخت کنم و لایق‌یه زندگی خوب و با آرامش هستم. بنظر من هر کسی میتونه آینده خودشو بسازه و تحت تاثیر زندگی پدر و مادرش نباشه}.

بحث و نتیجه‌گیری

طلاق رویدادی پیچیده و تهدیدی علیه بنیان خانواده است که جنبه‌های مختلفی دارد و بر روابط بعدی اعضای خانواده و مخصوصاً فرزندان تأثیرات منفی دارد (واعضی^۱، ۲۰۱۵). دیدگاه منفی نسبت به فرزندان طلاق که آنها نیز ممکن است به مشکلات والدین خود دچار شوند و تجربه ناسازگاری و طلاق را در زندگی خود نیز داشته باشند، باعث می‌شود که در سنین جوانی و زمان انتخاب همسر دچار تردید و ترس‌هایی شوند و خودپنداره و عزت‌نفس آن‌ها تحت تأثیر قرار گیرد و نتوانند انتخاب مناسبی داشته باشند، برعکس ممکن است برخی با وجود تمام این چالش‌ها، انتخاب مناسبی داشته باشند و در زندگی خود موفق‌تر از والدین عمل کنند و به پرورش مهارت‌های زندگی خود بپردازند و عوارض کمتری را تجربه کنند. هدف پژوهش حاضر تعیین تجربه انتخاب همسر در فرزندان طلاق است. یافته‌های بدست آمده در پژوهش حاضر شامل ۶ مضمون اصلی تحت عنوان نگرش منفی اجتماعی، مشکلات تمایز نیافتگی از

خانواده، مشکلات روان‌شناختی، مشکلات ارتباطی با همسر و خانواده همسر، احساس ارزشمندی به عنوان فردی متفاوت از والدین، سازگاری و ساختن زندگی متفاوت از والدین و ۱۹ مضمون فرعی بود.

یکی از مضامین فرعی پژوهش ترس و فرار از ازدواج در دختران و پسران بود که این یافته همسو با پژوهش خجسته‌مهر، ممبینی و اصلانی (۱۳۹۲) است که نشان دادند نگرش پسران به ازدواج در خانواده‌های عادی در مقایسه با خانواده‌های طلاق، مثبت است. یکی دیگر از مضامین فرعی پژوهش پیش‌بینی منفی درباره آینده فرزند طلاق است که این یافته همسو با پژوهش جاجر و همکاران (۲۰۱۶) است که به این نتیجه رسیدند که طلاق والدین تأثیرات منفی و طولانی مدتی بر کودکان تا بزرگسالی و ازدواج آنها دارد و ممکن است منجر به طلاق آنها نیز بشود.

برخلاف نگرش منفی جامعه به محکوم به شکست بودن فرزند طلاق در زندگی آینده، ممکن است این فرزندان از اشتباهات والدین درس بگیرند و آنها در زندگی مشترک خود تکرار نکنند و به دنبال کسب آرامش و سازگاری بیشتر در زندگی زناشویی خود باشند. در پژوهش موهی (۲۰۱۵) تأکید شده که طلاق والدین تأثیرات مثبتی در فرزندان جهت یادگیری از اشتباهات ارتباطی والدین و اصلاح کردن آن اشتباهات در روابط رمانتیک آینده خود دارد که این همسو با یافته‌های پژوهش حاضر در مضامین درس گرفتن از اشتباهات والدین و عدم تکرار آنها و مضمون دیگر رضایت از ساختن زندگی متفاوت با زندگی والدین است (موهی، ۲۰۱۵).

طلاق والدین می‌تواند بر نگرش به ازدواج فرزندان تأثیر بگذارد به طوری که ممکن است برخی از این فرزندان طلاق تجربه ترس از ازدواج به خاطر عدم آگاهی از نقش‌های همسر و عدم اعتماد به جنس مخالف را داشته باشند و یا در ازدواج خود در مقابل خانواده همسر و قضاوت‌هایشان، احساس حقارت را تجربه کنند و این باعث دوری کردن از دیگران و قطع ارتباط با اقوام می‌شود. همانگونه که اسلامی و همکاران (۱۳۹۶)

تاکید دارند که فرزندان طلاق اغلب در تعریف خانواده دچار مشکل و سردرگمی شده و دچار ناامیدی به آینده می‌شوند. همچنین در پژوهش‌های رید^۱ (۲۰۱۳) و اسپیرگ و کینی^۲ (۱۹۹۷) تاکید بر تاثیرپذیری فرزندان از طلاق والدین در نگرش به ازدواج و روابط رمانتیک و روابط فامیلی بعدی داشتند که این یافته‌ها همسو با مضمون‌های احساس حقارت و دوری‌گزینی از دیگران و فامیل، ترس و فرار از ازدواج، نگرانی از سوالات و کنجکاوی‌های خانواده همسر مستخرج از یافته‌های این پژوهش است.

پژوهش‌های متعددی به بررسی پیامد طلاق والدین بر وضعیت سلامت روانی فرزندان پرداخته‌اند که همسو با مضمون اصلی مشکلات روان‌شناختی و مضمون‌های فرعی احساس حقارت و دوری‌گزینی از دیگران، ترس و فرار از ازدواج، افکار منفی و نشخوار فکری می‌باشند. حامد و ذکایی (۱۳۹۹) به این نتیجه رسیدند که فرزندان طلاق با وجود به کارگیری راهبردهای انطباقی، اغلب قادر به سازگاری با شرایط نبوده و پیامدهای اجتماعی و روانی متعددی را تجربه می‌کنند. همچنین زمانی زارچی و همکاران (۱۳۹۷) اشاره کردند که فرزندان طلاق هیجاناتی را تجربه می‌کنند که بهزیستی روان‌شناختی آنها را کاهش می‌دهد. در پژوهش ازبک‌پور (۱۳۹۷) نیز اشاره شده که عوارضی که طلاق برای فرزندان به دنبال دارد زمینه‌ساز اختلالات رفتاری و اختلالات روانی از جمله بروز افسردگی، اضطراب، پرخاشگری و عصیان، ضعف اعتماد به نفس، اختلال هویت، انزوای اجتماعی، اجتماع‌ستیزی است. آزاد و رضائی (۱۳۹۵) نیز نشان دادند که تأثیر طلاق بر پرخاشگری پسران بیشتر از دختران است اما در متغیر افسردگی تأثیر بیشتری بر دختران داشته. در واقع می‌توان گفت فشار طلاق بر دختران بیشتر است. تامپسون، الونزو، هئو و همکاران^۳ (۲۰۱۷) تاکید دارند که همبودی طلاق والدین و وابستگی آنها به الکل می‌تواند تأثیرات زیادی بر افزایش احتمال خودکشی در فرزندان

1. Reed
2. Sprague, & Kinney
3. Thompson, Alonzo, Hu

نوجوان را به دنبال داشته باشد. هی می و لرنز^۱ (۲۰۱۶) نیز ثابت کردند که طلاق بر وضعیت روانی کودکان تأثیرات زیادی همچون مشکلات رفتاری، مسائل رشدی، نگرش منفی به خود، مشکلات اجتماعی، مشکل رابطه با والدین، افکار خودکشی. یکی دیگر از تجارب فرزندان طلاق، نگرش منفی اجتماعی و برچسب‌هایی است که بر اساس فرهنگ و نگرش‌های منفی جامعه به فرزند طلاق نسبت می‌دهند. نگرانی از دیدگاه تحقیرآمیز و همراه با ترحم خانواده همسر، بی‌توجهی خانواده همسر به ارزش‌ها و توانایی‌های ذاتی فرد، ناراحتی از قضاوت‌های دیگران و محکوم به بدبختی دانستن فرزند طلاق، تحقیر اجتماعی بخاطر مشکلات مالی و خانوادگی، طرد اجتماعی بخاطر مشکلات پدر و مادر از جمله مشکلاتی است که فرزندان طلاق تجربه می‌کنند. ممکن است حتی اگر جامعه به آنها برچسب نزده باشد، خود این فرزندان طلاق در ناخودآگاه به خود برچسب‌هایی بزنند و نشخوار فکری که تجربه می‌کنند در رفتارشان با دیگران تأثیر گذار است. در بعضی موارد دختران یا پسران این تجربه خود را پنهان می‌کنند و این می‌تواند در آینده منجر به مشکلاتی مثل عدم صداقت و پنهان‌کاری در آنها شود. این افراد در زندگی خود و تعاملات اجتماعی دائماً از برچسب فرزند طلاق می‌ترسند و این باعث بروز اختلالات روانی و انزوای بیشتر می‌شود. هی می و لرنز (۲۰۱۶) در پژوهشی ثابت کردند که طلاق بر وضعیت روانی فرزندان تأثیرات زیادی همچون نگرش منفی به خود، مشکلات در برقراری روابط اجتماعی، مشکل رابطه با والدین، افکار خودکشی دارد. از دیگر تجارب منفی فرزندان طلاق تمایز نیافتگی از خانواده است که شامل زیر مضمون‌هایی همچون کمبود حمایت عاطفی و مالی والدین، ساده گرفتن شرایط ازدواج به خاطر کمبودها، احساس مسئولیت به خانواده مبدا است. حمایت عاطفی و شناختی والدین و مخصوصاً حمایت مالی پدر از فرزند در زمان ازدواج باعث می‌شود فشار مسائلی همچون احساس خودکم‌بینی و بی‌ارزشی بخاطر عدم حمایت مالی و عاطفی از

طرف پدر، تحت فشار بودن بخاطر عدم حمایت پدر و فراموشی آرزوها، احساس محرومیت عاطفی و مالی از نعمت‌های زندگی با پدر بر فرزندان طلاق کمتر شود. همچنین عدم حمایت مالی و عاطفی والدین باعث می‌شود که فرزندان در زمان ازدواج خود با فشار مشکلاتی همچون ساده گرفتن شرایط ازدواج و توقعات پایین بخاطر کمبودهای خانواده، اجبار به پذیرش شرایط و محدودیت‌های ارتباط با والدین، پشیمانی از آسان‌گیری برای شرایط ازدواج کمتر مواجه شوند. همچنین فرزندان طلاق که با یکی از والدین خود زندگی می‌کنند بعد از ازدواج نگرانی‌هایی در رابطه با احساس مسئولیت بیش از حد به والد یا خواهر و برادر خود و شیوه مراقبت و تامین نیازهای آنها را دارند که این مسائل می‌تواند در زندگی مشترکشان مشکلات و دل‌مشغولی‌های زیادی ایجاد کند. پژوهش فراتحلیل یحیی‌زاده و حامد (۱۳۹۴) درباره مسائل فرزندان طلاق در ایران نشان داد که مطالعات تاکنون بیشتر به بررسی تأثیرات طلاق بر سلامت روان فرزندان پرداخته و به مسئله چالش‌های فرزندان طلاق برای ازدواج کم‌توجهی شده است. پژوهش حاضر با توجه به اینکه روش پژوهش کیفی است دارای محدودیت تعمیم‌پذیری نتایج است. تعمیم نتایج این پژوهش به همه فرزندان طلاق در آستانه ازدواج با طبقات اجتماعی-اقتصادی مختلف، نیازمند رعایت احتیاط است. ممکن است مولفه‌های تاثیرگذار دیگری در ازدواج و زندگی زناشویی فرزندان طلاق وجود داشته باشد که به دلیل عدم شناسایی تجارب افراد شرکت‌کننده به آنها پرداخته نشده باشد.

جهت بهبود شرایط فرزندان طلاق و کاهش آسیب‌های ناشی از طلاق والدین در زندگی آینده فرزندان پیشنهاد می‌شود که در کنار تلاش برای کاهش طلاق و مشاوره‌های زوج درمانی و خانواده درمانی، به طلاق با آسیب کمتر (در موقعیت‌هایی که طلاق بهترین و آخرین راه حل است) توجه شود. همچنین پیشنهاد می‌شود فضای جامعه و حمایت‌ها برای فرزندان طلاق به شکلی آماده شود که نگرش‌های منفی جامعه و برچسب‌زنی به فرزند طلاق اصلاح شود که جامعه برای فرزندان طلاق امن‌تر باشد. آموزش

به والدین بعد از طلاق برای یادگیری شیوه‌های فرزندپروری پس از طلاق نیز یکی از پیشنهادات پژوهش است. فراهم کردن دوره‌های آموزش پیش از ازدواج مخصوص فرزندان طلاق که مهارت‌هایی برای زندگی آینده و جبران اشتباهات والدین کسب کنند.

ملاحظات اخلاقی پژوهش: تمامی شرکت‌کنندگان برای شرکت در پژوهش رضایت شفاهی خود را اعلام نمودند و اطمینان لازم در مورد محرمانگی اطلاعات به آنها داده شده است.

سهم نویسندگان: نویسنده مسئول تمامی مراحل فرایند پژوهشی را به تنهایی مدیریت نموده و مسئول نگارش مقاله است.

حمایت مالی: نویسندگان اعلام می‌نمایند هیچ‌گونه حمایت مالی جهت انجام مقاله دریافت نکرده‌اند.

تعارض منافع: نویسندگان اذعان می‌نمایند که هیچ‌گونه تضاد منافی در مطالعه وجود ندارد.

قدردانی: نویسندگان از همکاری مشارکت‌کنندگان عزیز در این پژوهش تشکر و قدردانی می‌نمایند.

منابع

ازبک پور، فاطمه (۱۳۹۷). بررسی روان‌شناختی تبعات طلاق در زندگی زناشویی و رنج و عذاب برای فرزندان. نشریه

<https://civilica.com/doc/995240>. ۲۱-۴، (۱)۴، (۱)۴.

اسلامی، مریم، حاج حسینی، منصوره و اژه‌ای، جواد (۱۳۹۶). امید در نگرش دانش‌آموزان تک‌والد: فرزندان طلاق.

فصلنامه علمی-پژوهشی اندیشه‌های نوین تربیتی، ۱۳(۲)، ۵۲-۲۵.

Doi: 10.22051/jontoe.2017.11363.1422

آزاد، پیمان، و رضائی، فرشاد (۱۳۹۵). طلاق و تأثیرات آن بر دانش‌آموزان. مجله مطالعات روان‌شناسی و علوم

<http://noo.rs/tcJEV>. ۱۶۵-۱۴۵، (۲-۱)۲.

برجعلی، احمد (۱۳۹۶). اثربخشی آموزش ابراز وجود فرهنگ محور بر عزت نفس فرزندان طلاق. فصلنامه علمی

پژوهش‌های مشاوره، ۱۶(۶۴)، ۱۱۴-۱۲۶.

<http://iran-counseling.ir/journal/article-1-658-fa.html>

برکات، فاطمه، امینی، ناصر، دیره، عزت، و شفیع آبادی، عبدالله (۱۴۰۰). اثربخشی الگوی یکپارچه پیش‌گیری از طلاق، رویکرد مبتنی بر دلگرم‌سازی و رویکرد مبتنی بر شفقت و گذشت بر افزایش صمیمیت عاطفی و انطباق‌پذیری خانوادگی در زوجین متقاضی طلاق. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۳(۴۹)،

<https://doi.org/10.22054/qccpc.2020.48694.2281> . ۲۷۸-۲۴۹

جلالی، ایران، احدی، حسن، کیامنش، علیرضا (۱۳۹۵). بررسی تأثیر آموزش خانواده مبتنی بر رویکرد اولسون بر بهبود انطباق و انسجام خانواده. روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، ۷(۴)، ۱-۲۲.

[Doi: 20.1001.1.22285516.1395.7.24.1.3](https://doi.org/10.22054/qccpc.2020.48694.2281)

حاج‌حسنی، مهرداد، و رئیسی سرنشینی، عباس (۱۳۹۶). عوامل مؤثر بر آسیب‌های طلاق والدین در پسران تحت

حضانت مادر. دو فصلنامه مطالعات پلیس زن، ۱۱(۲۶)، ۵-۲۸. <http://noo.rs/qn080>

حامد، محبوبه، و ذکایی، محمدسعید (۱۳۹۹). تجربه زیسته فرزندان طلاق در شهر تهران. فصلنامه علمی -

پژوهشی رفاه اجتماعی، ۲۰(۷۶)، ۱۶۷-۲۰۶. <http://refahj.uswr.ac.ir/article-3430-1-fa.html>

خجسته‌مهر، رضا، دانیالی، زینب، و شیرالی‌نیا، خدیجه (۱۳۹۴). تجارب دانشجویان متأهل از آمادگی ازدواج؛ یک

پژوهش کیفی. روان‌شناسی خانواده، ۲(۲)، ۳۹-۵۰. <http://noo.rs/wOG8t>

خجسته‌مهر، رضا، ممبینی، جعفر، و اصلانی، خالد (۱۳۹۲). مقایسه نگرش به ازدواج و طلاق و دل‌بستگی به

همسالان در دانش‌آموزان پسر دبیرستانی خانواده‌های عادی و طلاق. مجله روان‌شناسی مدرسه، ۲(۳)،

<https://civilica.com/doc/1440792> . ۷۵-۵۷

روشنی، شهره، تافته، مریم، خسروی، زهره (۱۳۹۸). فراتحلیل پژوهش‌های طلاق در ایران در دو دهه اخیر (۱۳۷۷-

۱۳۹۷) و ارائه راهکارهای کاهش طلاق و پیامدهای منفی آن برای زنان و فرزندان. زن در توسعه و سیاست،

۱۷(۴)، ۶۵۳-۶۷۴. [doi: 10.22059/jwdp.2020.287279.1007699](https://doi.org/10.22059/jwdp.2020.287279.1007699)

زمانی‌زارچی، محمدصادق، لواسانی، مسعود، اژه‌ای، جواد، حسین‌زاده اسکویی، علی، و صمدی کاشان، سحر

(۱۳۹۷). مطالعه پدیدارشناسانه تجارب هیجانی فرزندان طلاق. فصلنامه پژوهش در سلامت روان‌شناختی،

<http://rph.khu.ac.ir/article-1-3125-fa.html> . ۵۴-۳۹، (۱)۱۲

قره‌داغی، علی، و ممبینی‌کشه، فریبا (۱۳۹۹). مقایسه شفافیت خودپنداره، نقش جنسیتی و بلوغ عاطفی در فرزندان

با و بدون تجربه طلاق والدین. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۱(۴۲)، ۲۳۱-۲۶۰.

<https://doi.org/10.22054/qccpc.2020.49446.2302>

کرمیان، سجاده، و دهقانی، یوسف (۱۳۹۴). مقایسه رابطه طلاق با سلامت روانی فرزندان طلاق و فرزندان عادی در

شهر دهدشت. اولین همایش ملی علوم و فناوری نوین در ایران. <https://civilica.com/doc/434651>

گودینی، علی اکبر، رسولی، محسن، و محسن زاده، فرشاد (۱۴۰۰). مقایسه تاثیر مشاوره گروهی مبتنی بر رفتاردرمانی دیالکتیک و فراشناخت درمانی بر کاهش پرخاشگری نوجوانان پسر فرزند طلاق. فصلنامه علمی

پژوهش های مشاوره، ۲۰(۸)، ۷۶-۱۰۵. <http://iran-counseling.ir/journal/article-1-1499-fa.html>

محمدی تیله نویی، سمیه، رحمانی، محمدعلی، قربان شیرودی، شهره (۱۴۰۲). تاثیر زوج درمانی تلفیقی مبتنی بر پذیرش و تعهد و طرحواره درمانی بر ارزش ها و پذیرش روان شناختی در زوجین متقاضی طلاق. پژوهش های

مشاوره، ۲۲(۸۵)، ۱۹۲-۲۱۱. <http://iran-counseling.ir/journal/article-1-1738-fa.html>

وب سایت مرکز آمار ایران (۱۳۹۹). سری های زمانی ازدواج و طلاق ثبت شده در کشور.

<https://www.amar.org.ir/Portals/0/PropertyAgent/461/Files/2859/1706z110111398.xls>

یحیی زاده، حسین، و حامد، محبوبه (۱۳۹۴). مسایل فرزندان طلاق در ایران و مداخلات مربوطه: فراتحلیل مقالات

موجود. مطالعات زن و خانواده، ۳(۲)، ۹۱-۱۲۰. [Doi:10.22051/jwfs.2016.2209](https://doi.org/10.22051/jwfs.2016.2209)

Afifi, T. D., Granger, D. A., Joseph, A., Denes, A., & Aldeis, D. (2015). The influence of divorce and parents' communication skills on adolescents' and young adults' stress reactivity and recovery. *Communication Research*, 42(7), 1009-1042. <https://doi.org/10.1177/0093650213509665>

Amato, P. R. (2017). The effects of divorce and marital discord on adult children's psychological well-being. *American Sociological Review*, 66, 900-921. DOI:10.2307/3088878

Bringle, R. G., Winnick, T., Rydell, R. J. (2013). The prevalence and nature of unrequited love. *SAGE Open*, 3(2), 1-15. <https://doi.org/10.1177/2158244013492160>

Creswell, J. (2007). *Qualitative inquiry and research design: Choosing answer five approaches*: Thousand Oaks, CA: Sage. DOI: 10.13187/rjs.2017.1.30

Demir-Dagdas, T., Isik-Ercan, Z., Intepe-Tingir, S., & Cava-Tadik, Y. (2018). Parental divorce and children from diverse backgrounds: Multidisciplinary perspectives on mental health, parent-child relationships, and educational experiences. *Journal of Divorce & Remarriage*, 59(6), 469-485.

<https://doi.org/10.1080/10502556.2017.1403821>

Diekmann, A., & Schmidheiny, K. (2013). The intergenerational transmission of divorce: A fifteen country study with the fertility and family survey. *Comparative Sociology*, 12, 211-235. <https://doi.org/10.1163/15691330-12341261>

Gager, C. T., Yabiku, S. T., & Linver, M. R. (2016). Conflict or divorce? Does parental conflict and/or divorce increase the likelihood of adult children's cohabiting and marital dissolution? *Marriage & Family Review*, 52(3), 243-261. <https://doi.org/10.1080/01494929.2015.1095267>

Garriga, A., & Pennoni, F. (2020). The causal effects of parental divorce and parental temporary separation on children's cognitive abilities and

- psychological well-being according to parental relationship quality. *Social Indicators Research*, 1-25. doi.org/10.1007/s11205-020-02428-2.
- Guest, G., MacQueen, K. M., & Namey, E. E. (2011). *Applied thematic analysis*. sage publications. <https://doi.org/10.1177/1609406920918810>
- Haimi, M., & Lerne, A. (2016). The impact of parental separation and divorce on the health status of children, and the ways to improve it. *Journal of Clinical Medical Genomics*, 4(1), 137. Doi: 10.4172/2472-128X.1000137
- Hawkins, A. J., Amato, P. R., & Kinghorn, A. (2013). Are government-sponsored healthy marriage initiatives affecting family demographics? *Family Relations*, 62, 501–513. <https://doi.org/10.1111/fare.12009>
- Kamperi, F., Shala, A. (2016). Phenomenology of divorce in Kosovo for the period between 2004–2014. *International Electronic Scientific Journal*, 2(12), 8.1-8.11. https://www.researchgate.net/publication/311893082_Phenomenology_of_divorce_in_Kosovo_for_the_period_between_2004-2014
- Karela, C., & Petrogiannis, K. (2020). Young children’s emotional well-being after parental divorce: Discrepancies between “resilient” and “vulnerable” children. *Journal of Educational and Developmental Psychology*, 10(1), 1-18. <http://doi.org/10.5539/jedp.v10n1p18>
- Laursen, L. L., Madsen, K. B., Obel, C., & Hohwü, L. (2019). Family dissolution and children’s social well-being at school: a historic cohort study. *BMC pediatrics*, 19(1), 1-8. DOI: 10.1186/s12887-019-1821-z
- Lin, I. F., & Brown, S. L. (2020). Consequences of later-life divorce and widowhood for adult well-being: A call for the convalescence model. *Journal of Family Theory & Review*, 12(2), 264-277. DOI:10.1111/jftr.12366
- Mohi, M. G. (2015). Positive outcomes of divorce: A multi-method study on the effects of parental divorce on children. *The University of Central Florida Undergraduate Research Journal*, 7(2), 49-62. <https://stars.library.ucf.edu/honorstheses1990-2015/1601>
- Reed, K. M. (2013). How parental divorce during emerging adulthood gives meaning to women’s experiences: A phenomenological approach. *Theses & Dissertations-Family Sciences*, Paper 8. https://uknowledge.uky.edu/hes_etds/8
- Schaan, V. K., Schulz, A., Schachinger, H., & Vogegele, C. (2019). Parental divorce is associated with an increased risk to develop mental disorders in women. *Journal of Affective Disorders*, 257, 91-99. DOI: 10.1016/j.jad.2019.06.071
- Sprague, H. E. & Kinney, J. M. (1997). The effects of interparental divorce and conflict on college students’ romantic relationships. *Journal of Divorce and Remarriage*, 27(2), 85-120. https://doi.org/10.1300/J087v27n01_06
- Thompson, R. G., Alonzo, D., Hu, M. C., Hasin, D. S. (2017). The influences of parental divorce and maternal-versus-paternal alcohol abuse on offspring lifetime suicide attempt. *Drug Alcohol Review*, 36(3), 404-418. DOI: 10.1111/dar.12441

- Vaezi, K. (2015). Divorced Womens Attitude Toward About the Factors Contributing to a Divorce, Case Study: The Divorced Women of Baneh. *Quarterly Journal of Social Work*, 4(1), 52-64.
<http://socialworkmag.ir/article-1-52-en.html>
- Zareei Mahmoodabadi, H. (2014). The effectiveness of retraining attribution styles on dimensions of family functioning in divorce applicant couples. *Journal of Family Counseling and Psychotherapy*, 4(3), 367-387.
[Doi:20.1001.1.22516654.1393.4.3.1.4](https://doi.org/10.1001.1.22516654.1393.4.3.1.4)

